



The Functional Mechanism of the Doctrine of Intizar al-Faraj in Enhancing Human Insight and Action During the Era of Occultation

Dr. Mohammad Tajik Jobeh ¹

Abstract

The separation of the Shi'a community from the infallible Imam (peace be upon him) places the Islamic society in a vulnerable position against various threats. In such circumstances, one of the most crucial and practical teachings is the doctrine of Intizar al-Faraj (awaiting the relief), which, during the occultation of the infallible Imam (peace be upon him), can serve as a safeguard against spiritual maladies such as hardness of the heart and deviation from the path of truth. This study aims to extract the key educational components embedded within the concept of Intizar al-Faraj through an analytical reading of relevant narrations (ḥadīths). The first step involves a conceptual analysis of the terms intizar (awaiting) and faraj (relief), shedding light on the pedagogical nature of this belief. Subsequently, a distinction between the terms ta'jil (expedited awaiting) and ista'jāl (impatient hastening) in the narrations will further clarify the essence of true expectation. Through deeper investigation of the narrations, five core educational factors that contribute to the efficacy of Intizar al-Faraj are identified: the concealment of the time of relief, perceiving it as imminent, the stark contrast between pre- and post-appearance worlds, the intrinsic value of awaiting, and recognition of the Imam's ongoing presence among the Shia. Where relevant, contemporary psychological research is incorporated to support each factor. This study thus seeks to formulate a comprehensive pedagogical framework grounded in the doctrine of Intizar al-Faraj.

Keywords: Intizar al-Faraj, ta'jil, ista'jāl, self-regulation, goal gradient effect

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Resident researcher, Women and Family Research Center, Qom, Iran (mohtajik11@gmail.com).

مکانیزم عملکرد انگاره انتظار فرج در تقویت بینش و کنش انسان در عصر غیبت*

محمد تاجیک جوبه^۱

چکیده

جدایی میان امام و امت در زمان غیبت، جامعه اسلامی را در معرض تهدیدهای معنوی قرار می‌دهد. انگاره انتظار فرج یک آموزه کاربردی تربیتی برای مقابله با آسیب‌های دوری از امام مانند قساوت قلب و گمراهی از طریق حق است. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با بررسی روایات انتظار فرج، مؤلفه‌های تربیتی مؤثر در این فرآیند تربیتی استخراج شود. در گام اول با مفهوم‌شناسی انتظار و فرج بخشی از ماهیت این باور تربیتی شناسایی می‌شود. در گام بعدی تمایز میان دو واژه تعجیل و استعجال در روایات کمک بیشتری به شناخت ما از حقیقت انتظار فرج خواهد کرد. در ادامه با بررسی عمیق‌تر روایات، عواملی را که در اثربخشی انتظار فرج دخیل هستند، شناسایی می‌کنیم. پنج عامل پنهان بودن زمان فرج، نزدیک دانستن زمان فرج، تصویر فاصله عمیق دنیای قبل و بعد از ظهور، ارزش ذاتی انتظار فرج و توجه به حضور امام در میان شیعیان عوامل مؤثر تربیتی هستند. تلاش می‌شود در هر بخش تحقیقات نوین روان‌شناختی مرتبط با هر مؤلفه مورد اشاره قرار گیرد. از این طریق می‌توان منظومه‌ای تربیتی براساس انگاره انتظار فرج طراحی نمود.

واژگان کلیدی

انتظار فرج، تعجیل، استعجال، خودکنترلی، اثر شیب هدف.

مقدمه

خداوند متعال برای اداره عالم سننی ثابت و تغییرناپذیر را طراحی کرده است. یکی از این سنن ثابت، ابتلاء و امتحان بندگان است. در برخی از آیات قرآن کریم امتحان انسان یکی از اهداف خلقت دانسته شده است.^۲ هدف از این ابتلائات کمال و رشد انسان است. یکی از سنن الهی ارسال انبیاء و تعیین اوصیاء برای هدایت مردم است. از سویی دیگر غیبت حجج الهی از میان مردم نیز یکی از سنن ابتلای الهی است که در طول تاریخ در میان ادیان مختلف مشاهده

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷؛

۱. پژوهشگر مقیم پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران. (mohtajik110@gmail.com)

۲. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود: ۷).

می‌شود. مرحوم صدوق در ابتدای کتاب شریف کمال الدین در پاسخ به شبهات مخالفین درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سنت غیبت حجج الهی، در امت‌های گذشته و میان انبیاء سابق مانند حضرت ادریس، حضرت نوح، حضرت صالح، حضرت ابراهیم، حضرت یوسف و حضرت موسی علی علیهم السلام اشاره و روایات مختلفی را با جزئیات عصر غیبت انبیاء و شرایط اقوام آنها در زمان غیبت، ذکر می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۵۳). در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده است اتفاقاتی که در امم سابقه به وقوع پیوسته در امت ختمی نیز تکرار خواهد شد. امام صادق علیه السلام غیبت انبیاء گذشته در امم سابق را یکی از سنن الهی می‌دانند که در امت ختمی به طور حتم تکرار خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱، ج ۱). غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همان ابتدایی است که وعده آن به وسیله رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتشان داده شده بود. در کافی شریف امام صادق علیه السلام یکی از حکمت‌های غیبت را امتحان شیعیان می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۷).^۲ در روایت دیگری امام کاظم علیه السلام امر غیبت را وسیله‌ای دانسته‌اند که خداوند متعال برای امتحان بندگان خود قرار داده است (عریضی، ۱۳۶۸: ۳۲۵).^۳ در روایات متعددی که به حد تواتر معنوی می‌رسند علت این امتحان الهی، شناخت مومنین راستین از غیرشان بیان شده است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند که علت غیبت تمییز اهل باطل از اهل حق است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).^۴ خداوند متعال در سوره عنکبوت همین امر را علت ابتلای امم سابقه دانسته است^۵ و در سوره آل عمران نیز این نکته را یادآور می‌شود که این سنت گذشتگان، در امت ختمی نیز جریان داشته و خداوند متعال مومنین را رها نخواهد کرد تا پاک و آلوده، از هم متمایز شوند.^۶

غیبت امام معصوم علیه السلام برای جامعه اسلامی به مثابه یک تهدید است. در روایاتی که درباره

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ إِنْ لِقَائِهِمْ مِنْ غَيْبَةٍ يَطُولُ أَمْدُهَا فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ يُخْرِجَ فِيهِ شَنْنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي غَيْبَتِهِمْ وَأَنْهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيقُ مِنْ اسْتِيفَاءٍ مَدَدِ غَيْبَتِهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ إِنْ شِئْنَا عَلَى شَيْءٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ.

۲. عَنْهُ عليه السلام فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام: إِنْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ.

۳. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا فَهِدَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِقِ فَاللَّهُ فِي أَذْيَانِكُمْ لَا يَزِيلُكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَزْجَعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: زَادَ الْفُرَاتُ عَلَى عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَرَكِبَ هُوَ وَابْنَاهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام قَمَرٌ بِقَيْفٍ فَقَالُوا قَدْ جَاءَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْمَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ عليه السلام أَمَا وَاللَّهِ لَا أَقْتُلُ أَنْتَا وَابْنَايَ هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ لَيَغِيْبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيمُ الْأَهْلِ الصَّلَاةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لَئِيَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ حَاجَةٍ.

۵. ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (عنکبوت: ۳).

۶. ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ (آل عمران: ۱۷۹).

آیه آخر سوره ملک^۱ وارد شده است، امام معصوم علیه السلام برای جامعه انسانی به آب گوارا و فرو رفتن آب در زمین به غیبت امام تشبیه شده است (عریضی، ۱۳۶۸: ۳۲۷). این بدان معناست که حضور امام علیه السلام نقشی حیاتی در نظام مادی و معنوی حیات بشری دارد. در دسته دیگری از روایات نقش امام معصوم علیه السلام برای جامعه همچون نقش پدر و مادر در خانواده بلکه بالاتر از آنها دانسته شده است. به همین سبب انقطاع و دوری از امام سخت تر و تلخ تر از فقدان پدر برای فرزند است (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۶). همان گونه که خانواده بدون پدر در معرض تهدیدهای درونی و بیرونی قرار می گیرد، جامعه اسلامی نیز در فقدان امام معصوم علیه السلام در موضع ضعف قرار دارد. شاید به همین جهت است که دین داری در عصر غیبت مانند کندن خار از شاخه ای با دستان برهنه دانسته شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۶).

جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام در معرض آسیب های مختلفی قرار می گیرد که در روایات ما برخی از آنها بیان شده است. یک آسیب کلی که در قرآن نیز به عنوان آسیب غیبت و فقدان حجت الهی اشاره شده است، قساوت ناشی از طولانی شدن آمد و مدت غیبت است. در آیه ۱۶ سوره حشر اشاره شده است که اهل کتاب در گذشته با طولانی شدن فاصله و مدت زمان تحقق وعده های الهی، دل هایشان قسی می شد و خداوند متعال مسلمانان را از چنین عاقبتی نهی می کند.^۲ این آیه شریفه در برخی روایات بر مردم زمان غیبت امام معصوم علیه السلام تطبیق شده است و طولانی شدن زمان غیبت را علت قساوت قلب دانسته اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴). قساوت در مجموعه معارفی اهل بیت علیهم السلام یک بیماری قلبی است که در برخی نقل ها بزرگ ترین عقوبت الهی معرفی شده است (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۲۹۶). این بیماری یکی از موانع هدایت است و هر چه زمان میان وعده و تحقق آن طولانی تر شود، قساوت بیشتر خواهد شد. گذر زمان حتی در بازه کوتاه عمر یک فرد هم مؤثر است به گونه ای که هر چه سن فرد بیشتر شود، قلب او بیشتر به قسی می شود. به همین خاطر در جوانی قلب نرم تر و زمینه تربیت بیشتر است. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به امام مجتبی علیه السلام، به این نکته اشاره می کنند که قلب نوجوان مانند یک زمین خالی پذیرای تربیت است و به همین سبب به تربیت شما مبادرت کردم قبل از آن که قلب شما سخت شود (نهج البلاغه: نامه ۳۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرمایند که جوانان دعوت مرا لیبیک گفتند و کهنسالان با من مخالفت

۱. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰).

۲. «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید: ۱۶).

کردند و در بیان علت این امر، به آیه ۱۶ سوره حدید که بدان اشاره شد، استناد می‌کنند (الصعیدی، ۱۹۴۹: ۱). شاید بتوان گفت بسیاری از آسیب‌های خاصی که در روایات آتی، آمده است، نتیجه همین قساوت قلب است. در برخی تحقیقات علمی جدید نیز اثبات شده است که هنگام انجام فعالیت‌های طولانی و زمان‌بر به دلیل خستگی‌های ذهنی و فیزیکی تلاش و انگیزه افراد کمتر می‌شود و همین امر موجب می‌شود در میانه کار ناامید شده و از ادامه آن انصراف دهند (Emanuel et al, 2022). این تحقیقات نیز همسو با مفاد روایات و آیات مورد اشاره است.

برخی از این آسیب‌ها نتیجه مستقیم غیبت امام معصوم علیه السلام و عدم امکان انجام وظایف حجت الهی در زمان غیبت است. یکی از شئون امام معصوم علیه السلام تعلیم و آگاهی بخشی و نظارت بر اجرای دستورات دینی و هدایت شیعیان به وادی عمل است. خداوند متعال در قرآن کریم یکی از وظایف رسول خدا صلی الله علیه و آله را تبیین قرآن معین کرده است.^۱ امیرالمومنین علیه السلام یکی از حقوق مردم بر امام معصوم را تعلیم می‌داند «حق شما بر من این است که خیر خواه شما باشم... و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید، و مؤدب به آداب نمایم تا بیاموزید» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴). به همین جهت یکی از عوارض غیبت، تحیر و گمراهی علمی و عقیدتی است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۶).^۲ ارتداد و از دست دادن تمام یا بخشی از باورهای دینی یکی از اموری است که در روایات مربوط به عصر غیبت به آن اشاره شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید که علت نام‌گذاری آخرین حجت الهی به لقب قائم این است که ایشان بعد از میان رفت یادشان و ارتداد اکثر افراد قائل به امامتشان، قیام می‌کنند (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۲۸۳). در بخشی دیگر از روایات به انحطاط اخلاقی جامعه در عصر غیبت اشاره می‌شود. در روایتی نبوی وارد شده است که بعد از حدود ۳۴۰ سال - که به طور تقریبی ایام شروع غیبت کبری است - سقوط اخلاقی جامعه آغاز می‌شود، در آن روزگار حسد، خیانت، بی‌وفائی، فحشا، کبر، کوچک شمردن کبائر و جابه‌جایی سبک زندگی مردانه و زنانه تحقق می‌یابد (شعیری، بی‌تا: ۱۴۱). ابتلاء اعتقادی در زمان غیبت چنان دشوار است که براساس گزارش برخی نقل‌های روایی، دو سوم مردم دین و اعتقاد خود را از دست می‌دهند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۶). آنچه بیان شد تنها برخی از آسیب‌هایی است که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام با آن مواجه هستیم.

۱. «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اُسْبَةُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خَلْقًا تَكُونُ بِهْ غَيْبَةً وَ خَيْرَةٌ تَصِلُ فِيْهَا.

البته بخشی از وظایف امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت به عهده علمای دین نهاده شده است و به تعبیر امام هادی علیه السلام چنانچه علمایی که به دین خداوند متعال دعوت می‌کنند و شبهات نواصب و دشمنان را دفع می‌کنند، حضور نداشتند، هیچ فرد باورمندی در زمان غیبت از گزند دشمنان ایمن نبود و تمام مردم از اهل بیت علیهم السلام روگردان می‌شدند (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸).

انتظار فرج راهکاری برای جبران آسیب‌های دوره غیبت

در فضایی که نبود امام معصوم علیه السلام جامعه شیعی را در موضع ضعف و در معرض تهدیدهای مختلف قرار می‌دهد، اهل بیت علیهم السلام راهکاری را پیش روی ما قرار داده‌اند. انتظار فرج راهکاری و حیانی است که التزام به آن سبب می‌شود فرد مؤمن در عصر ابتلای دشوار غیبت تا حد زیادی بتواند از آفات آن در امان باشد. در ادامه ابتدا تلاش می‌کنیم تا با مفهوم‌شناسی انتظار فرج، حدود و مرز مفهومی انتظار و فرج را نشان دهیم، سپس مؤلفه‌های تربیتی انتظار فرج در روایات را برشمیریم و در نهایت با مطالعه‌ای تطبیقی فرآیند عملکرد این انگاره در تقویت باور و ایمن‌سازی جامعه شیعی در برابر تهدیدات را نشان دهیم.

مفهوم‌شناسی انتظار الفرج

انتظار از ماده نظر و مصدر ثلاثی مزید بابت افتعال است. ماده نظر در باب افتعال با تصاریف مختلف اسمی و فعلی ۱۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. در صورتی که مفعول انتظار، فرد باشد، براساس گزارش کتب لغت به معنای توقع و ترقب حضور او خواهد بود (ابن منظور، بی‌تا: ج ۵، ۲۱۹). فرج هم به معنای جدایی میان دو شیء است. این جدایی می‌تواند مادی باشد و یا معنوی. به همین خاطر دعای معروف «فرج الله غمک» به جدایی میان انسان و غم معنا شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۹، ۴۵). بنابراین فرج فقط ظهور امام زمان علیه السلام و دیدن ایشان نیست، زیرا چنین ملاقات‌هایی در زمان ائمه علیهم السلام و حتی در زمان غیبت صغری و کبری وجود داشته است ولی صدق فرج بر آنها نمی‌کند. فرج به معنای ظهور امام زمان علیه السلام و گشایش و جدایی از مشکلات فردی و اجتماعی است.

انتظار در اصطلاح نیز چنین تعریف شده است:

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم، از آن برمی‌آید و ضد آن یأس و ناامیدی است، پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی‌تر خواهد بود (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۹۵).

این تعریف برگرفته از روایات این باب است. براساس روایات، انتظار تنها یک حالت درونی و نفسانی نیست:

نکته دقیق این که انتظار، عمل است و بالاترین و افضل اعمال است، نه حالت و کیفیت روانی (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۷۶).

انتظار نه تنها عمل است بلکه با فضیلت ترین اعمال است:

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۶).

در برخی دیگر از تعبیر روایی انتظار فرج بالاترین عبادت دانسته شده است (البرقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۴۵۳). به همین خاطر در برخی روایات انتظار فرج بدون عمل و تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام) و با انگیزه های مادی، ناکافی بلکه منتهی به آتش دانسته شده است (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲: ۵). در برخی دیگر از روایات هم به طور عینی و کنایی به عملی بودن انتظار فرج اشاره کرده اند. به عنوان مثال در روایتی امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر می گویند هر یک از شما ولو به اندازه یک تیر برای قیام امام زمان (علیه السلام) فراهم کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۳۲۰). این تعبیر کنایی بدین معناست که هر فردی در زمان غیبت بایستی فعالیتی در راستای ظهور امام زمان (علیه السلام) داشته باشد. یکی دیگر از ارکان مفهومی انتظار فرج، امید به آینده است. یأس از رحمت خداوند متعال یکی از گناهان کبیره است. در مقابل، انتظار فرج در سختی ها صفتی امید آفرین است که مانع ناامیدی در مسیر سخت دینداری در عصر غیبت می شود. در روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) مقوله انتظار در کنار نهی از یأس قرار گرفته است:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ، وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتَظَرُ الْفَرَجِ، مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶).

این تقابل نشان می دهد که در دل مفهوم انتظار، امید نهفته است و انتظار، امید به ادامه حیات معنوی در انسان را زنده نگه می دارد. شهید مطهری اساساً انتظار فرج را فرع این تقابل می داند و آن را برگرفته از یک اصل کلی اسلامی به نام «حرمت یأس از روح الله» دانسته اند (مطهری، ۱۳۸۳: ج ۲۴، ۴۰۶). مجموع این دسته از آیات و روایات به خوبی مهندسی زیبایی صاحب شریعت را نشان می دهد که از یک سو انتظار را به عنوان انگاره ای امیدبخش به عنوان برترین عمل معرفی نموده است تا روحیه امید را در پیروان شریعت تقویت کند و از سوی دیگر مرز خطرناک آن را یأس از رحمت الهی و ناامیدی از فرج مشخص نموده، یأسی که در آیات قرآن از ویژگی های کفار و در روایات از گناهان کبیره دانسته شده است.

یکی از امور مهم در بقای حس امید، تسلیم خواست و مشیت الهی بودن در مسئله فرج است. اگر اعتماد به تدبیر الهی وجود نداشته باشد، بعد از مدت کوتاهی چنانکه بیان شد با تأخیر در زمان فرج، حس امیدواری تبدیل به یأس و ناامیدی می‌شود. تسلیم کلیدواژه‌ای است که در رمزگشایی از دو تعبیر تعجیل و استعجال در روایات به ما کمک خواهد کرد و گامی به پیش در درک بهتر مفهوم انتظار فرج خواهد بود. در روایات متعددی از استعجال نهی و استعجال در امر فرج ملازم با هلاکت و نابودی دانسته شده است. در کنار این استعجال به دو نکته عدم تعیین وقت و زمان مشخص برای فرج و نجات یافتن اهل تسلیم نیز اشاره شده است^۱ (خزازی، ۱۴۰۱ق: ۲۸۴؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳۸). در برخی روایات از تعبیر محاضیر استفاده شده است که در جواب سوال راوی از معنای محاضیر، امام معصوم علیه السلام آن را به مستعجلون ترجمه کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۷۳). مرحوم مجلسی این لفظ را از ریشه خُضِر به معنای دویدن دانسته‌اند که کنایه از تسریع و استعجال در امر ظهور است و در این بحث به معنای افرادی است که قبل از رسیدن زمان مناسب، طالب ظهور دولت حق‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۶، ۲۸۰). در برخی از ادعیه هم در آداب انتظار فرج از چون و چرا و اعتراض به عدم ظهور امام علیه السلام نهی شده است^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۲). در مقابل در ادعیه برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا شده است^۳ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۴). در برخی عبارات، تعجیل در فرج آل محمد و آلهم از درگاه ربوبی مطالبه شده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۵۳). به نظر می‌رسد فارق تعجیل و استعجال در تسلیم و تفویض امر به خداوند متعال است. به همین خاطر در برخی ادعیه بعد از این که خود را بریء از اعتراض برای تأخیر در ظهور می‌دانیم، به ما آموخته شده است تا تمام امور خود را به خداوند متعال تفویض کنیم^۴ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۲). در تتمه روایات مذمت استعجال هم تسلیم در نقطه مقابل استعجال و عام نجات معرفی شده است^۵ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۶۸). تعجیل و تفویض

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْرَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَغْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ.

۲. لَا أَقُولُ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ.

۳. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۴. مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا.

۵. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْرَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَغْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ.

رابطه ای دوسویه با هم دارند. از یک سو تعجیل ملازم با تفویض و تسلیم است و از سویی دیگر تفویض یکی از علل تعجیل در فرج است. در روایتی امام صادق علیه السلام ماجرای گروهی از بنی اسرائیل را نقل می کنند که خداوند متعال زمان فرج آنها را بعد از پانزده سال قرار داد و این گروه به جای اعتراض، اعلام کردند که مشیت الهی را پذیرفته و تسلیم امر خداوند متعال اند. بر اثر این تسلیم خداوند متعال در فرج آنها تعجیل نمود و بعد از تنها پانزده روز گشایش آنها را مقدر نمود (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۹۴). در روایتی دیگر همین مضمون درباره بعثت حضرت موسی علیه السلام بیان شده است. در ابتدا قرار بر این بود که فرج بنی اسرائیل بعد از ۴۰ سال باشد. زمانی که بنی اسرائیل از این خبر آگاه شدند، به جای اعتراض، شکر خداوند را به جا آوردند. بر اثر این شکر ده سال از زمان فرج کم شد و بعد از این تخفیف، شکر دیگری بر زبان آنها جاری شد و این امر ادامه داشت تا این که خداوند متعال در همان لحظه حضرت موسی علیه السلام را برای نجات بنی اسرائیل مبعوث نمودند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۴۶). فاعل استعجال بنده است و در این صورت همراه با اعتراض است و توأم با منافع شخصی و غایت آن نیز استمتاع و بهره مندی از دنیا در بستر حکومت عدل است ولی در تعجیل، فاعل خداوند متعال است و بنده در تعجیل تسلیم خواست و مشیت خداوند متعال است و او را وکیل خود در امر فرج قرار می دهد و در حالیکه بر قلب و زبان او دعای تعجیل فرج جریان دارد در دل تسلیم امر و مشیت پروردگار است. بنابراین انتظار تعجیل فرج به همراه تسلیم یکی از عوامل است که روح امید را در فرد منتظر زنده نگه می دارد و این امید حقیقی او را به عمل و فعالیت وادار می کند و مانع خمودی و رکود سیر معنوی اش می شود.

دو نوع انتظار فرج

انتظار فرج در روایات به دو معنا به کار رفته است. دسته ای از روایات از فرج به معنای عام سخن می گویند. فرج عام در برابر فرج خاص یعنی انتظار گشایش عام در مواجهه با سختی های زندگی. به عنوان مثال در روایتی امام صادق علیه السلام به ابوحنیفه که از ائمه اربعه اهل سنت است می فرمایند که بافضیلت ترین عمل انتظار فرج از خداوند متعال است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ۲۰۸). مخاطب روایت فضای معنایی روایت را به فرج عام نزدیک می کند. در نقلی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام به طور عام امر به انتظار فرج می نمایند و آن را برترین عمل می دانند (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق: ج ۲، ۶۱۶). این دسته از روایات با مطرح کردن فضیلت انتظار فرج در شدائد و سختی ها و تقویت حس امید در جامعه و نهی از ناامیدی، درصدد افزایش توانایی

افراد جامعه در مواجهه با مصائب است. در مقابل بخشی از روایات از انتظار فرج به معنای خاص آن سخن می‌گویند. انتظار فرج به معنای خاص به معنای امید برای ظهور امام زمان علیه السلام و تحقق حکومت عدل جهانی و اظهار دین حق و غلبه آن بر باطل است. به همین علت امام زمان علیه السلام در برخی روایات به منتظر به معنای فردی که انتظار او را می‌کشند، معرفی شده است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۷۷). در برخی از روایات ما با این نوع از فرج با تعبیر مختلفی در روایات مانند انتظار قائمنا (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۲)، انتظار امرنا (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۹)، فرج آل محمد و آل محمد و آل محمد و آل محمد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۳) و مشتقات این تعبیر مانند المنتظر لامرنا (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۱۱۵) مورد اشاره قرار گرفته است. با دقت به مضمون برخی از روایات می‌توان چنین گفت که انتظار فرج از زمانی به بعد در میان شیعیان، منصرف به فرج خاص بوده است. در روایتی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام از زمان فرج به طور مطلق می‌پرسد و امام صادق علیه السلام پاسخ او را متناسب با فرج خاص می‌دهند و با توییح او می‌گویند که شناخت امام به همراه انتظار برای تحقق فرج کافی است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۷۱). این پرسش و پاسخ به خوبی نشان می‌دهد که انتظار فرج به معنای خاص حداقل از زمان امام صادق علیه السلام در میان شیعیان به یک حقیقت متشرعیه تبدیل شده است.

انتظار فرج امری فردی با آثار اجتماعی

در نگاهی ابتدایی انتظار فرج یک امر فردی است و رابطه وثیقی با مباحث خانوادگی و اجتماعی پیدا نمی‌کند. باید دانست این افراد هستند که خانواده‌ای متعالی را شکل می‌دهند و خانواده‌های متعالی، جوامعی الهی و منسجم را ایجاد می‌کنند. تأکید و اصالت تربیت فرد را از آیات و روایت نیز می‌توان استنتاج نمود. خداوند متعال در سوره تحریم به مؤمنان سفارش می‌کند که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید و بعد سفارش به حفظ خانواده می‌کند.^۱ در سوره مائده نیز به این حقیقت با وضوح بیشتری اشاره شده است که فرد بایستی دغدغه نجات و هدایت خود را داشته باشد و در صورتی که هدایت یابد گمراهی دیگران به او ضرری نمی‌رساند.^۲ در برخی آیات دیگر مال و فرزند ابزار آزمون الهی دانسته شده‌اند^۳ و همراهی و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَبِئَعْلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵).

۳. «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن: ۱۵).

پرداختن به آنها تا زمانی مطلوب است که فرد را از یاد خدا و مسیر معنویت دور نکنند و افرادی که برای خانواده از مسیر ذکر دوست منحرف شوند، در میان زیانکاران معرفی شده‌اند.^۱ محوریت فرد تا به جایی است که کمال فردی می‌تواند نقصان کمال خانواده را در عالم آخرت جبران کند، بدون این که از اجر و پاداش فرد کاسته شود.^۲ علامه طباطبایی نیز معتقدند که اصل هدایت در نظام خلقت و تکوین مختص به هدایت فرد است و سعادت جامعه که خانواده کوچک‌ترین واحد آن است فرع سعادت فرد است «اصل در سعادت و خوشبختی انسان به حسب آفرینش، سعادت فرد است، و سعادت اجتماع فرع آن است، نه به عکس. به عبارت دیگر: مقصود آفرینش طبیعت انسانی است که همانا وجود فرد است نه هیئت اجتماعی افراد، و انسان که به سوی عقد اجتماع هدایت می‌شود برای نگهداری فرد است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۰). بنابراین اگرچه انتظار فرج در نگاه اول مرتبط با فرد است ولی تقویت فرد به عنوان عنصر اصلی تشکیل دهنده خانواده و جامعه در نهایت به تقویت آنها نیز کمک خواهد کرد. توجه به این نکته ضروری است که فرزندان باورمند به طور معمول در خانواده‌ای باورمند رشد می‌یابند. تحقیقات فراوانی روایی این مدعا را در طول سالیان به اثبات رسانده‌اند.

راهکارهای اثربخشی انتظار فرج

جامعه عصر غیبت با تهدیدهای متنوع و متعددی مواجه است. ائمه علیهم‌السلام با تأکید بر انتظار فرج به عنوان راهبردی کلیدی در هدایت جامعه‌ای که ارتباط مستقیم با امام معصوم علیه‌السلام ندارد، سعی کرده‌اند که خلأهای غیبت را پوشش دهند. در ادامه این پژوهش تلاش می‌شود از این منظر نگاهی دوباره به روایات انتظار فرج داشته باشیم و مؤلفه‌های تربیتی موجود در آن را شناسایی نموده تا در طراحی برنامه‌های تربیتی انتظار محور بصیرت کامل‌تری در اختیار داشته باشیم. بسیاری از این مؤلفه‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های تربیتی می‌توانند نقش آفرین باشند.

۱. پنهان بودن زمان فرج

از مؤلفه‌های اثرگذار در تربیت فرد و اجتماع، پنهان بودن زمان فرج است. همان‌گونه که بیان شد فاصله زیاد میان وعده‌ها و تحقق آنها باعث قساوت قلب می‌شود. در این میان تعیین

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹).
 ۲. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينَ» (طور: ۲۱).

زمان تحقق وعده امری امیدبخش است لیکن تأخیر در تحقق وعده به خاطر مصالح مختلف، گاهی شرایط را پیچیده تر خواهد کرد. تعیین زمان باعث ایجاد توقع و تخطی از آن باعث ایجاد تردید و شک در دل افراد ضعیف الایمان خواهد شد. چنان که در ماجرای حضرت موسی علیه السلام چنین اتفاقی افتاد. میقات حضرت موسی علیه السلام در ابتدا سی روز بود ولی به مصالحی خداوند متعال آن را با اضافه نمودن ده روز، چهل روز تمام قرار داد.^۱ بعد از روز سی ام بود که فتنه سامری آغاز شد و قوم موسی علیه السلام به گوساله پرستی مبتلا شدند. فتنه ای چنین بزرگ در یک امتحان ده روزه نشان می دهد که مشخص بودن زمان تحقق وعده می تواند یکی از عوامل مهم انحراف باشد. همین امر درباره زمان ظهور امام زمان علیه السلام نیز تطبیق شده است. در روایتی امام کاظم علیه السلام به علی بن یقطين می فرماید:

فَلَوْ قِيلَ لَنَا إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَى مِائَتَيْ سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثِمِائَةٍ سَنَةٍ لَقَسَتِ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۶۹).

در این روایت به خوبی نشان داده شده است که تعیین زمان ظهور و فرج موجب قساوت قلب و ارتداد از دین می شود. یکی از عناصر قطعی زمان ظهور نامعلوم بودن آن است. تا جایی که هر گونه تعیین وقت از جانب هر کسی مساوی با کذب و دروغ تلقی شده است و حتی اهل بیت علیهم السلام از شیعیان و راویان حدیث خواسته اند که چنین فردی را با صراحت تکذیب کنند. امام باقر علیه السلام در نقلی می فرماید:

هر فردی که وقتی برای ظهور تعیین کند، دروغگو است و در ادامه به ماجرای حضرت موسی علیه السلام و رویگردانی بنی اسرائیل از ایشان بعد از روز سی ام استناد می کنند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴).

به همین خاطر، ظهور امام زمان علیه السلام به قیامت تشبیه شده است، زیرا براساس آیات مسلم قرآنی زمان قیامت پنهان است و کسی از آن اطلاعی ندارد. در روایتی از امام رضا علیه السلام سوال می شود که زمان ظهور قائم علیه السلام از فرزندان شما چه وقت خواهد بود؟ حضرت رضا علیه السلام می فرماید که مانند این سوال از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد و ایشان پاسخ دادند:

مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۷۷).

۱. «وَ وَاغْدَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ قَتَمٍ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَازُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلُحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲).

از سویی دیگر مشخص بودن زمان وعده الهی ممکن است باعث تسويف و اهمال کاری شود. نفس انسان ممکن است به او وعده دهد که تا رسیدن به موعد وعده، زمان فراوانی مانده است و این امکان برای فرد وجود دارد تا به خوشگذرانی خود ادامه دهد و نزدیک آن زمان توبه کند. به همین خاطر در آیات و روایات ما توبه و بازگشت تا زمانی مؤثر خواهد بود که مهلت انسان برای زندگی در این دنیا به پایان نرسیده باشد.^۱ در روایتی پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

خداوند متعال، توبه بنده را، پیش از آن که به جان کندن افتد، می‌پذیرد (متقی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ۲۱۰).

به همین وزن ایمان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تا قبل از قیام به سیف حضرت مؤثر خواهد بود. بعد از قیام ایشان ایمان فرد تأثیر خود را نخواهد داشت، چنان که در برخی روایات ما آیه ۱۵۸ سوره انعام به ظهور حضرت تطبیق شده است^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۸). به بیان دیگر این خوف ناشی از پنهانی زمان فرج، مانع از غرور نابجا و ایمنی از مکر خداوند متعال می‌شود و فرد در عین امیدواری به فرج و گشایش رفتار خود را نیز متناسب با آن تنظیم می‌کند. برای جلوگیری از این آفات زمان ظهور هم ناپیدا و هم ناگهانی خواهد بود. این دو مؤلفه باعث می‌شود که انسان در یک وضعیت ترقب دائمی باشد که او را به سمت آمادگی برای ظهور حضرت برمی‌انگیزد. مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۱۵ سوره طه^۳ که خداوند متعال از مخفی بودن زمان قیامت سخن می‌گویند، می‌فرماید:

فائدة الإخفاء التحويل و التخويف فإن الناس إذا لم يعلموا متى تقوم الساعة كانوا على حذر منها كل وقت (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۱۱۰).

بنابراین پنهان بودن و ناگهانی بودن زمان تحقق قیامت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف دو عامل مشترک برای ایجاد انگیزه و دوری از یأس و ناامیدی در شیعیان هستند.

۱. «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كَفَارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۸).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ الْآيَاتُ هُمْ الْأَيُّمَةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عَ قِيَوْمَيْنِ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بَعْدَ تَقَدُّمِهِ مِنْ آيَاتِهِ...

۳. «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُخْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى» (طه: ۱۵).

۲. نزدیک دیدن فرج

دیگر مؤلفه مهم و پیچیده تربیتی انتظار فرج، نزدیک دیدن آن است. اگرچه زمان مشخصی برای ظهور مشخص نشده است ولی از ویژگی‌های مؤمنان نزدیکی دانستن است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید که محبین ما هر صبح شما در انتظار فرج هستند (ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۱۲). امام صادق علیه السلام ضمن دستوراتی برای زمان غیبت به شیعیان می‌فرماید، در زمانی که امام خود را در میان خود ندیدید صبح و شام منتظر فرج باشید (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). در دعای عهد هم امام صادق علیه السلام در توصیف حالت مومنان و غیرمومنان نسبت به ظهور امام زمان علیه السلام به آیه‌ای مرتبط با قیامت استناد می‌کند که مضمون آن چنین است که کافران آن را دور می‌پندارند و مؤمنان آن را نزدیک می‌بینند^۱ (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۶۶۵).

در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام نزدیک دیدن فرج را دارای اثر تربیتی دانسته و کسانی که فرج را نزدیک می‌دانند، اهل نجات معرفی می‌کنند^۲ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۹۴). توجه به تشبیه ظهور به قیامت هم می‌تواند، بصائری قرآنی را در اختیار ما قرار دهد. در آیات متعددی از قرآن کریم تحقق قیامت نزدیک دانسته شده است و همان‌گونه که بیان شد در دعای عهد نیز یکی از این آیات مورد استناد قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به سوره انبیاء آیات ۳۱ و ۹۷،^۳ اسراء: ۵۱،^۴ احزاب: ۶۳،^۵ شوری: ۱۷^۶ اشاره نمود. بنابراین فرج و ظهور هم نزدیک است و باید نزدیک دانسته شود.

به نظر می‌رسد این امر با توجه به آثار تربیتی آن به صورت آگاهانه، در کلمات نورانی ائمه علیهم السلام به کار گرفته شده است. در روایتی امام کاظم علیه السلام به علی بن یقطین می‌فرماید که نزدیک به دویست سال است که شیعیان با آرزوی فرج تربیت شده‌اند:

۱. «انهم یروونه بعیدا وَ تَرَاهُ قَرِیبًا» (معارج: ۶-۷).
۲. سَمِعْتُ امیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ وَ هُوَ یَقُولُ... ثُمَّ قَالَ هَلَكْتَ الْمَخَاضِیْرُ وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ. علامه مجلسی رحمته الله در شرح مرآة العقول این عبارت را به دو صورت اسم فاعل و اسم مفعول قرائت کرده‌اند و هر دو را محتمل دانسته‌اند. ولی به نظر می‌رسد با توجه به معنا کردن محاضیر در روایات دیگر به استعجال به نظر می‌رسد، مقربون انسب باشد، زیرا در این صورت این روایت درصدد بیان دو معنای متقابل و نزدیک در امر فرج است که یکی امری مذموم و دیگری ممدوح دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۳، ۲۹۲).
۳. «افْتَرَبَ لِلنَّاسِ جِساظُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» (انبیاء: ۱).
۴. «وَ افْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ» (انبیاء: ۹۷).
۵. «أَوْ خَلَقْنَا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُسَهُمْ وَ يَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا» (اسراء: ۵۱).
۶. «يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُذَرِّكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» (احزاب: ۶۳).
۷. «إِنَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ الْمِيزَانَ وَ مَا يُذَرِّكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبًا» (شوری: ۱۷).

قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام الشَّيْبَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِي مُنْذُ مَائَتِي سَنَةٍ (كليني، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۶۹).

در ادامه همین روایت علی بن یقطین در پاسخ اشکال پدرش به مضمون این حدیث تمسک می‌کند و می‌گوید راهکار ائمه علیهم السلام تقرب و تسریع در فرج بوده است و در صورتی که خلاف این امر تحقق می‌یافت و به مردم گفته می‌شد که زمان فرج بسیار دور است، مبتلا به قساوت قلب می‌شدند و از دین برمی‌گشتند. مرحوم علامه مجلسی در مرآة العقول ذیل این روایت شریف می‌فرماید که ائمه علیهم السلام به طور عملی وعده نزدیکی فرج را به شیعیان می‌داده‌اند و این وعده نزدیکی ظهور احوال و اعتقاد شیعیان را اصلاح می‌کند:

تصلح أحوالهم و تثبت قلوبهم على الحق بالأمانى بأن يقال لهم الفرج ما أقربيه و ما أعجله فإن كل ما هوأت فهو قريب (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۷۶).

تحقیقات نوین علمی نشان می‌دهند که این راهبرد دینی، روشی بسیار مؤثر در تقویت بینش و کنش فرد است. یکی از اثرات مهم دور دیدن یک غایت و یا باور، کم شدن ارزش آن در ذهن فرد است. در اقتصاد رفتاری به این امر فروکاست هذلولی^۱ گفته می‌شود. فروکاست هذلولی، که به سوگیری زمان حال^۲ نیز شناخته می‌شود، یک سوگیری شناختی است که افراد به جای پاداش‌های بزرگتر و ارزشمندتر در آینده، پاداش‌های کوچک‌تر و کم‌ارزش‌تر در زمان حال را انتخاب می‌کنند. شکاف زمانی میان پاداش‌ها باعث می‌شود تا ارزش ادراکی ما از پاداش‌ها با ارزش واقعی آنها متفاوت باشد و ما ترجیح می‌دهیم که براساس ارزش ادراکی خود تصمیم بگیریم. رابطه میان شکاف زمانی و ارزش پاداش آتی از یک منحنی ریاضی پیروی می‌کند (Ainslie & Haslam, 1992: 57). در آزمایش‌های روان‌شناختی، به افراد پیشنهاد می‌شود بین ۱۰۰ دلار در زمان حال و یا ۱۲۰ دلار در هفته آینده انتخاب کنند. تقریباً تمام افراد علیرغم ارزش بیشتر پیشنهاد دوم، گزینه اول را انتخاب می‌کنند. در تحقیقی همین آزمون در بازه‌های سنی مختلف از سنین پایین تا پیری انجام گرفته است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، افراد در سن کمتر به پاداش فوری اهمیت بیشتری می‌دهند و کمتر می‌توانند در مقابل تأخیر و دوری زمان پاداش مقاومت کنند. در مقابل افراد در سن‌های بالاتر و رو به پیری توانایی مقاومت در برابر وسوسه پاداش فوری را بیشتر داشتند (Green et al, 1994:33). این مسئله در بینش ما نسبت به ظهور و فرج هم اتفاق می‌افتد به همین خاطر در آیات و روایات طولانی شدن زمان گشایش و وعده‌های الهی همراه با قساوت قلب و ارتداد از دین دانسته شده

1. Hyperbolic discounting
2. Present bias

است. بنابراین روایات ما تأکید بر نزدیکی زمان فرج دارند تا انسان با دور دیدن، ارزش آن را کم نکرده تا پس از افت ارزش معنوی، به راحتی بتواند از آن عبور کند. شاید با توجه به نتیجه تحقیق اخیر بتوان گفت که تأکید بر مسئله نزدیکی فرج در میان جوانان بایستی با برنامه و تأکید بیشتری صورت پذیرد و آگاهی به این مسئله در سیاست‌گذاری‌های کلان بسیار مؤثر خواهد بود.

یکی از مشاهدات بسیار مهم در روانشناسی، درک رابطه میان هدف و انگیزه و تلاش فرد است. برای اولین بار در سال ۱۹۳۲ کلارک هال روانشناس آمریکایی به این نکته پی برد. او در مطالعه خود بر آموزش برخی حیوانات در آزمایشگاه مشاهده کرد که این حیوانات در مسیر رسیدن به غذای خود، هنگامی که به قسمت انتهایی مسیر می‌رسند و خود را به غذا نزدیک می‌بینند، سریع‌تر حرکت می‌کنند (Hull, 1932: 25). این ویژگی که به عنوان اثر شیب هدف^۱ شناخته می‌شود، در رفتار انسان‌ها هم مشاهده‌پذیر و قابل تطبیق است. این تحقیق توجهات زیادی را به خود معطوف داشته و با توجه به اثرات کاربردیش، در زمینه‌های مختلف به کار گرفته شده است. به عنوان مثال زمانی که شروع به خواندن کتابی سرعت مشخصی در خواندن داریم ولی فصل‌های آخر کتاب سرعت ما بیشتر می‌شود و یا دوندگان دوی ماراتن، با وجود این که مسیر زیادی را دویده‌اند و در پایان مسیر در خسته‌ترین وضعیت قرار دارند؛ زمانی که خط پایان را مشاهده می‌کنند، سرعت‌شان بیش از متوسط سرعت مسیر می‌شود. در سال ۲۰۰۶ با تطبیق این نظریه در بازاریابی و اقتصاد، شاهد بازاحیاء آن بودیم. محققین برای افزایش فروش قهوه، یک سیستم جایزه‌دهی طراحی کردند. در این روش فرد با خرید هر ده قهوه یک قهوه رایگان دریافت می‌کرد. شرکت‌کنندگان در این طرح هر چه به کسب قهوه رایگان (هدف و پاداش) نزدیک‌تر باشند، بیشتر قهوه می‌خرند. نکته جالب توجه این است که برای افزایش در فاصله بین قهوه اول و قهوه دهم یک هدف خیالی تعریف شد به این گونه که در طرحی دیگر پیش شرط ورود به این طرح، خرید دو قهوه تعیین شد. افرادی که در این طرح دوم شرکت داشتند سریع‌تر از افراد دیگر قهوه می‌خریدند و دلیل آن مداخله اثر شیب هدف در میانه مسیر بود. در واقع اثر شیب هدف در طرح دوم با طراحی یک هدف خیالی دو مرتبه اعمال می‌شود و این‌گونه سرعت خرید بیشتر می‌شود (Kivetz et al, 2006: 39). این اثر در جلسات جمع‌آوری اعانه مراکز خیریه هم مشاهده شده است. براساس تحقیقات صورت گرفته

1. Goal Gradient Effect

در این موضوع، مشاهده شده است که در این جلسات هر قدر به مبلغی که مورد نظر بوده، نزدیک تر شده ایم، افراد بیشتری برای کمک داوطلب شده اند و بعد از کمک احساس رضایت و تأثیر بیشتری در فرآیند اعانه داشته اند (Cryder et al, 2013: 1078). نکته جالب توجه این است که نزدیک دیدن هدف، علاوه بر ایجاد انگیزه و افزایش توانایی شناختی فرد برای رسیدن به هدف، کارهای جایگزین را نیز کم ارزش جلوه می دهد. در تحقیقی در این زمینه نشان داده است که انسان به طور ناخودآگاه ارزش فعالیت های رقیب را در زمان نزدیک به رسیدن به هدف، کمتر می کند. یک دلیل این امر امکان تعویق فعالیت رقیب بعد از تکمیل فعل است و دیگری پریسک بودن رها کردن فعلی است که نزدیک به تکمیل آن هستیم، زیرا فرد نسبت به زمانی که برای آن فعل اختصاص داده است، احساس مسئولیت می کند (Emanuel et al, 2022). تطبیق این مسئله در انتظار فرج به ما می گوید که تأکید بر مسئله نزدیک دیدن انتظار فرج نه تنها نقش ایجابی در سبک زندگی ما داشته و ما را به سوی خوبی ها متمایل می سازد و انگیزه در ما ایجاد می کند بلکه نوعی دافعه نسبت به سبک های زندگی رقیب را نیز در ما نهادینه می کند.

۳. پررنگ سازی مرز دنیای قبل و بعد از ظهور

یکی از مؤلفه هایی که استقامت و ثبات را در زمان غیبت و عصر انتظار تقویت می کند، توجه به فاصله میان جامعه مطلوب یا جامعه منتظر و جامعه موجود است. در روایات متعددی تصویری ارائه شده از این دو زمان، نشان دهنده فاصله ای بسیار عمیق میان دنیای قبل از ظهور و دنیای بعد از ظهور است. در روایاتی که به تواتر معنوی بلکه لفظی به دست ما رسیده اند، دنیای قبل از ظهور دنیایی مملو از ظلم و جور و تاریکی توصیف شده است که با ظهور نور امام زمان (عج) جای خود را به عدل و قسط خواهد داد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۱، ۸۱، ۱۸۹). در روایتی امام صادق (ع) شرایط تاریک عصر قبل از ظهور امام زمان (عج) را با جزئیات تشریح می کنند. دنیای پیش از ظهور دنیایی است که در آن حقوق الهی ضایع می شود. در امور اجتماعی ظالمین و مفسدین زمام امور را به دست می گیرند. صبغه معنوی زندگی در این دوران به حسیض خود می رسد. انسان ها حقوق دیگران را رعایت نمی کنند. حرمت های خانوادگی مراعات نمی شود و در یک کلام ظلم و ستم در زمینه های مختلف به نقطه اوج خود خواهد رسید (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۸-۴۰). در مقابل دنیای بعد از ظهور دنیای موعودی است که تمام بشریت در طول تاریخ انتظار آن را می کشیدند. نکته بسیار

مهم در روایات شکاف عمیقی است که در این دو بازه زمانی وجود دارد. توجه دادن به این تفاوت‌ها انگیزه زیادی برای انتظار در انسان ایجاد می‌کند.

در تحقیقات روان‌شناختی نشان داده شده است که هر میزان ارزش هدف بیشتر باشد، تلاش انسان برای استقامت در رسیدن به آن بیشتر می‌شود. این مسئله به گونه‌های مختلفی تبیین شده است. برخی از این نظریات نشان می‌دهند که تبیین فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب یکی از راه‌های افزایش استقامت و انگیزش است. هر میزان ارزش هدف بیشتر باشد انگیزه تداوم و استقامت برای رسیدن به آن بیشتر می‌شود. از این امر به ظرفیت هدف^۱ تعبیر می‌شود (Fox & Hoffman, 2022: 273). در نظریه لوین درباره انگیزه، ارزش هدف براساس نیازهای فرد مشخص می‌شود. هرچه نیازی که به وسیله هدف تأمین می‌شود ارزشمندتر و قوی‌تر باشد، فرد ارزش بیشتری برای آن هدف قائل می‌شود (Lewin, 2014: 10). تقابل و شکاف میان وضع موجود و مطلوب در برخی نظریات برجسته‌تر خودنمایی می‌کند. در همین راستا برخی می‌گویند در صورتی که هدف برای فرد اهمیت اساسی داشته باشد به این معنا که هدف منبع اصلی امنیت عاطفی و احساس هویت و ارزش فردی باشد، در این صورت دست‌کشیدن از هدف بسیار غیرمحمتمل خواهد بود (Pyszczynski & Greenberg, 1987: 126). نظریات مختلف در این زمینه نشان می‌دهند که هر چه ارزش هدف برای فرد بیشتر شود، امکان استقامت او نیز در این مسیر بیشتر خواهد شد. این ارزش افزوده گاهی از مشاهده وضع موجود و نابه‌سامانی‌های آن و علم به این که وضع مطلوب برای انسان آرامش جان و روان و ارتقای عزت نفس را به ارمغان می‌آورد، حاصل می‌شود.

۴. ارزش ذاتی انتظار

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت و حیانی در مسئله انتظار فرج، توجه دادن و ارزش بخشیدن به نفس انتظار فرج است. در این بخش انتظار فرج فقط یک ابزار برای رسیدن به جامعه آرمانی نیست بلکه خود ارزش ذاتی و فی‌نفسه پیدا می‌کند. در روایتی امام رضا (ع) خود انتظار فرج را بخشی از فرج می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۵۹). گاهی در روایات ما انحصار فرج به یک باور طریقی و عدم توجه به ارزش ذاتی آن مورد مذمت قرار گرفته است. در روایتی ابوبصیر زمانی که از امام صادق (ع) درباره فرج به گونه‌ای سوال می‌کند که از سؤالش تنها تمنای از بین رفتن حکومت جور و جایگزینی حکومت اهل بیت (ع) برداشت می‌شود، با استفهام امام

صادق علیه السلام مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد: «یا ابا بصیر! وَاَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا؟». در ادامه حضرت می‌فرماید در صورتی که انتظار فرج با معرفت امر امامت همراه شود، این خود موجب فرج بلکه خود فرج است^۱ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۷۱). شاید این تصور در اذهان ایجاد شود که فردی که در زمان غیبت زندگی می‌کند از نعمت همراهی و دیدن امام خود محروم است و در نتیجه از مزایا و پاداش افرادی که در زمان ظهور ائمه علیهم السلام زندگی می‌کرده‌اند، محروم مانده است. در پاسخ به این اشکال ائمه علیهم السلام پاسخ داده‌اند که اگر فردی در حال انتظار امر فرج اهل بیت علیهم السلام از دنیا برود همانند کسی است که در خیمه یا لشکر حضرت مهدی علیه السلام از دنیا رفته باشد^۲ (همان: ۳۷۲). خداوند متعال نه تنها برای منتظرین فرج، غیبت امام‌شان را جبران می‌نماید بلکه فضیلت بالاتری نیز به خاطر این محرومیت به آنها اعطاء می‌کند. در روایتی امام صادق علیه السلام ثواب عبادات و بندگی‌های مردم زمان غیبت را چندین برابر عصر ظهور و حضور امام دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۶). توجه به مضامین این روایات نشان می‌دهند که انتظار فرج نه فقط مقدمه بلکه غایت بسیار مهمی در مجموعه آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام است و ارزش فی نفسه و ذاتی حقیقی نیز برای آن در نظر گرفته شده است.

همین امر در تحقیقات رفتاری مورد توجه قرار گرفته است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد حتی در زمانی که غایت و هدف برای فرد جذاب و ارزشمند نیست، ارزش ذاتی عملی که مقدمه رسیدن به آن هدف است، باعث می‌شود که او استقامت بورزد و انگیزه او کاسته نشود (Sanson & Harackiewicz, 1996: 203). حتی در صورت مطلوب بودن هدف و بالا بودن سطح ابتدایی انگیزه، ممکن است بعد از مدتی بر اثر گذر زمان انگیزه فرد تضعیف شود و در این هنگام نیازمند انگیزه‌های جدیدی در طول مسیر هستیم. یکی از انگیزه‌های جذاب میانی، جذاب بودن عمل و رفتاری است که مقدمه رسیدن به هدف است و این جذابیت مسیر فرد را در رسیدن به هدف کمک می‌کند ولو انگیزه ابتدایی او برای دستیابی به هدف تضعیف شده باشد (Fox & Hoffman, 2022: 280). بنابراین ارزشمندی فی نفسه انتظار فرج و توجه دادن به آن را می‌توان عاملی دیگر برای بقای انگیزه‌های فردی و اجتماعی برای مقاومت در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام دانست.

۱. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى الْفَرَجُ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِجَ عَنْهُ لِاتِّبَاعِهِ.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا صَرَّ مِنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا إِلَّا يَمُوتُ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَ عَشْكَرِهِ.

۵. ایمان به حضور امام

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیتی مسئله انتظار فرج، توجه دادن به این نکته است که غیبت امام زمان (عج) به معنای فقدان و نبود ایشان نیست. در روایات ما عنوان شده است که برخی از ویژگی‌ها یا سنن انبیاء گذشته در امام زمان (عج) نیز وجود دارد. به عنوان مثال یکی از این سنن، سنت یوسفی است. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید که رابطه امام زمان (عج) همانند رابطه حضرت یوسف (ع) با برادرانشان است. برادران حضرت یوسف (ع) با ایشان بیعت کردند و گفتگو می‌کردند و ایشان را می‌دیدند ولی نمی‌شناختند. همین امر درباره امام زمان (عج) هم صادق است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸). در روایت دیگری بیان شده است که امام زمان (عج) همانند حضرت یوسف (ع) در بازارهای ما حضور پیدا می‌کنند و قدم بر روی فرش‌های ما می‌گذارند ولی او را نمی‌شناسیم، خداوند متعال میان ایشان و مردم حجابی قرار داده‌اند که ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۶). این حضور ملموس امام زمان (عج) در میان مردم چنان است که در هنگامه ظهور و رؤیت ایشان بسیاری از مردم با خود می‌گویند که ما ایشان را قبلاً دیده‌ایم، اگرچه در آن زمان شناختی وجود نداشته است. در برخی روایات از نائب خاص امام زمان (عج) نقل شده است که در موسم حج این ملاقات دوسویه ولی بدون شناخت از سوی مردم در هر سال اتفاق می‌افتد (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۵۲۰).

تحقیقات مختلف و متعددی در سالیان اخیر نشان می‌دهند که دین در حیطه‌های مختلف از سلامت جسمانی و روحانی تا موفقیت‌های اجتماعی و خانوادگی، عاملی مؤثر است. برخی نشان داده‌اند که دین از راه تقویت خودکنترلی در افراد متدین، مشارکتی فعال در ارتقای سبک زندگی مادی - معنوی و روحانی - جسمانی آنها ایفاء می‌کند (McCullough & Willoughby, 2009: 69). یکی از مؤلفه‌های مهم در خودکنترلی خودمراقبتی^۱ است. یکی از راه‌های تقویت این خودکنترلی درک رابطه با موجودات ملکوتی است. ادراک حضور یک مخاطب باعث افزایش خودآگاهی در درون ما می‌شود و این خودآگاهی باعث تقویت خودکنترلی در ما خواهد شد (Carver & Scheier, 2001). تذکر و فعال‌سازی مفاهیم دینی تأثیر مستقیمی بر رفتار انسان از طریق خودکنترلی ایفاء می‌کنند. به عنوان مثال در پژوهشی که بر روی دانشجویان کانادایی انجام شده، دانشجویانی که به طور نیمه خودآگاه به مفاهیم الهی مانند خدا، روحانی و... توجه داده شده بودند، در امتحان کلمات پراکنده، کمتر مرتکب

1. Self-monitoring

فریب و تقلب شدند برخلاف افرادی که چنین توجهی به آنها داده نشده بود. توجه به این حضور در تقویت رفتارهای سخاوت‌مندانه و به سود جامعه نیز مؤثر بوده است (Shariff & Norenzayan, 2007: 803). با توجه به روایات و نتایج این تحقیقات می‌توان گفت که توجه به حضور دائم امام زمان (عج) در میان ما عاملی قدرتمند برای تقویت خودکنترلی و مقاومت در برابر تهدیدهای بی‌پایان عصر غیبت است.

نتیجه‌گیری

بازخوانی آموزه‌های دینی در پرتو یافته‌های تربیتی جدید این امکان را فراهم می‌کند تا با شناسایی و استخراج مؤلفه‌های تربیتی این دستورات، بتوانیم نظامی تربیت در بوم اسلامی تولید نماییم. نظامی که مستظهر به یافته‌های علمی است. در این پژوهش تلاش شد تا با این رویکرد ابتدا برخی از آفات و تهدیدات عصر غیبت را نشان دهیم. در این بخش به دوری از امام معصوم (عج) و قساوت ناشی از فقدان ارتباط مستقیم با ایشان اشاره شد. انتظار فرج به عنوان طرحی الهی در مقابله با این تهدیدات برای حفاظت از خیمه ایمان پیروان اهل بیت (ع) طراحی شده است. در اولین گام تلاش شد مرز مفهومی این عبارت و عناصر معنایی دخیل در آن شناسایی شوند. انتظار به مثابه عملی جوارحی و جوانحی که بایستی توأم با تسلیم باشد، مرز خود را از عملی جوانحی صرف همراه با استعجال و خودگروی‌های مقدس حفظ می‌کند. در ادامه با شناسایی مؤلفه‌های تربیتی انتظار فرج که در بینش، انگیزش و کنش فرد اثرمند است، بحث ادامه یافت. در این بخش تلاش شد عواملی مانند پنهان بودن زمان فرج، نزدیک دیدن آن، برجسته‌سازی فاصله میان دنیای قبل و بعد از ظهور، ارزش ذاتی انتظار و احساس حضور امام به عنوان مؤلفه‌های تربیت مقاومتی در بحث انتظار شناسایی و مشخص شوند. تلاش شد تا صبغه تربیتی هر مؤلفه با استناد به آیات و روایات مرتبط برجسته شود و در ادامه شواهد علمی متنوعی در تأیید هر یک ارائه شود. نتیجه این پژوهش به ما کمک خواهد کرد تا با تمرکز بر مسئله انتظار فرج به مثابه راهبردی در تربیت مقاوم در عصر غیبت بتوانیم جامعه شیعی را در میان حوادث و خطرات به سمت ساحل نجات با کمترین آسیب راهبری نماییم.



منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والنبصرة من الحيرة*. قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف، اول.
۲. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*. قم: جامعه مدرسين حوزة علميه قم، دفتر انتشارات اسلامي، اول.
۳. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، جهان، اول.
۴. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*. قم: مكتبة الداوري، اول.
۵. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *كمال الدين وتمام النعمة*، قم: دار الكتب الإسلامية، دوم.
۶. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *من لا يحضره الفقيه*. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۷. ابن منظور، محمد بن مكرم (بی تا)، *لسان العرب*، بيروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، سوم.
۸. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم.
۹. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، *کامل الزیارات*، نجف اشرف: المطبعة المباركة المرتضوية، اول.
۱۰. ابن مشهدي، محمد بن جعفر (۱۳۷۸)، *المزار الكبير*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، اول.
۱۱. اصفهانی، سيد محمد تقی (۱۳۸۷)، *مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم عجل الله تعال فرجه الشريف*، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۲. البرقی، أحمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۱۳. الصعیدی، عبدالله (۱۹۴۹)، *شیاب قریش*. القاهرة: المطبعة النموذجية، اول.
۱۴. ثقفی، إبراهيم بن محمد (۱۳۹۵)، *الفارغات*، تهران: انجمن آثار ملی، اول.
۱۵. خزاز رازی، علي بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم:

بیدار.

۱۶. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار. نجف: المطبعة الحیدریة، اول.
۱۷. صفایی حائری، علی (۱۳۸۲)، درس‌های از انقلاب (انتظار)، قم: لیلة القدر.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۸)، بررسی‌های اسلامی. قم: بوستان کتاب قم.
۱۹. طبرسی، أحمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، مشهد: نشر المرتضی، اول.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، اول.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی. قم: دارالثقافة، اول.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، الغیة، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، اول.
۲۴. عریضی، علی بن جعفر (۱۳۶۸)، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها. قم: المؤتمر العالمي للإمام الرضا (علیه السلام)، اول.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۲۶. متقی، علاء الدین بن حسام (۱۴۱۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: دارالکتب العلمية.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۹. مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا، چهاردهم.
۳۱. نعمانی، محمد بن إبراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیة، تهران: مكتبة الصدوق، اول.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
- لإحياء التراث، اول.

- over time (p 57–92) ,Russell Sage Foundation.
34. Cryder ,C. E. ,Loewenstein ,G. .& Seltman ,H. (2013) ,Goal gradient in helping behavior. *Journal of Experimental Social Psychology* ,49(6) , 1078–1083. <https://doi.org/10.1016/j.jes.2013.07.003>
 35. Emanuel ,A. ,Katzir ,M. .& Liberman ,N. (2022) ,Why do people increase effort near a deadline? An opportunity-cost model of goal gradients. *Journal of Experimental Psychology. General* ,151(11) , 2910–2926. <https://doi.org/10.1037/xge0001218>
 36. Fox ,S. .& Hoffman ,M. (2002) ,Escalation Behavior as a Specific Case of Goal-Directed Activity: A Persistence Paradigm. *Basic and Applied Social Psychology* ,24(4) ,273–285. https://doi.org/10.1207/S15324834BASP2404_3
 37. Green ,L. ,Fry ,A. F. .& Myerson ,J. (1994) ,Discounting of Delayed Rewards: A Life-Span Comparison. *Psychological Science* ,5(1) ,33–36. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.1994.tb00610.x>
 38. Hull ,C. L. (1932) ,The goal-gradient hypothesis and maze learning. *Psychological Review* ,39(1) ,25–43. <https://doi.org/10.1037/h0072640>
 39. Kivetz ,R. ,Urminsky ,O. .& Zheng ,Y. (2006) ,The Goal-Gradient Hypothesis Resurrected: Purchase Acceleration ,Illusionary Goal Progress ,and Customer Retention. *Journal of Marketing Research* , 43(1) ,39–58. <https://doi.org/10.1509/jmkr.43.1.39>
 40. Lewin ,K. (2014) ,*A Dynamic Theory Of Personality—Selected Papers*. Lewin Press.
 41. McCullough ,M. E. .& Willoughby ,B. L. B. (2009) ,Religion ,self-regulation ,and self-control: Associations ,explanations ,and implications. *Psychological Bulletin* ,135(1) ,69–93.

<https://doi.org/10.1037/a0014213>

42. Pyszczynski ,T. ,& Greenberg ,J. (1987) ,Self-regulatory perseveration and the depressive self-focusing style: A self-awareness theory of reactive depression. *Psychological Bulletin* ,102(1) ,122-138. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.102.1.122>
43. Sansone ,C. ,& Harackiewicz ,J. M. (1996) ،“I Don’t Feel Like It”: The Function of Interest in Self-Regulation. In *Striving and Feeling*. Psychology Press.
44. Shariff ,A. ,& Norenzayan ,A. (2007) ,*God Is Watching You Priming God Concepts Increases Prosocial Behavior in an Anonymous Economic Game*. 18(9) ,803-809. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.2007.01983.x>

